

دو راهی حق و باطل

زهره حاجی پور

نسیم دل نواز علوی در کوچه پس کوچه‌های ذهنم می‌وزد. شام جان را معطر می‌کنم به کلمات لاهوتی قرآن ناطق. دست‌های ناتوانم را به سوی آستان پرمهرش بلند می‌کنم و چون همیشه در دل فریاد می‌کنم یا علی مددی!

اگر در کوهسارها و لاله‌زارهای نهج الیلاغه سیر کنی و در فضای دل‌انگیز کلام مولا تنفس نمایی، حکمت‌های ازلی را خواهی یافت که سرمنشأ تمام چشمه‌های جوشان فیض الهی است. حال قدم به وادی اعتقاد می‌گذاریم و در اقیانوس موج رحمت مولا سر و جان می‌شوئیم. حضرت علی علیه السلام بدایت تمامی خصایص اعتقادی است. از زمانی که حق برایش نمایان شد، هرگز تردید به دل راه نداد. هیچ‌گاه دروغ نگفت و به او دروغ گفته نشد. کسی را از جادهٔ پر نور هدایت همراه نکرد و هیچ کس علی علیه السلام را از صراط حقیقت دور نساخت. (۱)

اگر از باب اعتقاد وارد گلستان نهج الیلاغه شوید، شکوفه‌های وصایای علی علیه السلام را خواهی دید که بر شاخسار ایمان خودنمایی می‌کند. علی علیه السلام تو را می‌خواند که برای معبود، احدی را شریک قرار ندهی و سنت و شریعت پیامبر بطحاه را ضایع نمایی. اگر این دو ستون محکم را بر پاداری و این دو چراغ را همواره فروزان نگه‌داری، هیچ‌گاه از مسیر حق منحرف نمی‌شوی و سرزنش هیچ سرزنش‌کنندگان قلبت را نمی‌آزارد.

زیرا کوله بار وظیفهٔ هر کس به اندازهٔ توانایی او تعیین گردیده و خداوند برای جاهلان و ناآگاهان از در رحمت وارد شده و به آن‌ها تخفیف داده است، زیرا معبود جابودان، رحیم است و دین او همواره استوار است و پیشوای شریعت آگاه. (۲)

حال علی علیه السلام در دل باز می‌گوید:
من دیروز رهبر شما بودم و امروز مایهٔ پند و عبرت شما هستم و فردا از شما جدا خواهم شد، خدا شما و مرا بیامرزد.
اگر از جویبار خروشان حق و باطل باکشتن عقیده گذر کنی، فریاد ناخدا می‌فرش را به وضوح می‌شنوی:

امروز ما و شما به سر دوراهی حق و باطل قرار داریم، آن کس که به وجود آب اطمینان دارد، تشنه نمی‌ماند و آن کس که منورالنور را دریافت در تاریکی چهل نمی‌ماند. (۳)
چشمان نگرانش قدم‌های تو را می‌شمارد و برای نجات تو از صخره‌های کفر و الحاد بانگ برآورده که:

«ایمان خود را با صدقه دادن و اموالتان را با گنجینهٔ زکات نگاهدارید و امواج بلا را با کشتی مستحکم دعا از خود برانید». (۴)

علی علیه السلام با آهی حسرت آلود، اوصاف اعتقادی اصحاب «رحمة للعالمین» را بازگو می‌کند. تا تو طریقت هدایت را بیابی! در دلش غوغایی است ولی آرام و زیر لب زمزمه می‌کند:
«من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیدم، که هیچ کلام از شما را همانند آنان نمی‌نگرم آنان شب را به صبح می‌رسانند، در حالی که موهایی زولیده و چهره‌های غبارآلود داشتند. شب را تا صبح در قیام و قعود و سجود به عبادت می‌گذرانند و پیشانی و گونه به درگاه حق می‌ساییدند و با یاد معاد چنان پریشان بودند که گویا بر تلی از خاکستر و آتش ایستاده‌اند.

پیشانی آن‌ها از فرط سجده‌های طولانی یبسته بود. اگر نام اقدس حق برده می‌شد، چنان می‌گریستند که گریبان‌های آنان تر می‌شد و چون درخت در روز تندباد می‌لرزیدند، از کیفی که از خوف آن همواره پریشان بودند و امیدواری پاداشی که پروردگارشان به آنان وعده داده بود. (۵)
عقیده قلعهٔ قلب این مردان مرد را فتح کرده بود و بر فرار قلعه‌های دل‌هاشان نام معبود را برافراشته بود. آنانی که به آرامی در جوار حق آرمیده‌اند زمانی با اعتقاد زنجیرهایی پیوستگی خویش را با معبود محکم کردند تا به لقاء الله رسیدند.
بی نوشت‌ها:

۱. حکمت ۱۸۳ و ۱۸۵.
۲. خطبة ۱۳۹.
۳. خطبة ۴.
۴. حکمت ۱۴۶.